

ارغنون ساز فلک

ارجنامه استاد فریدون حافظی

به کوشش: مصطفی ساکت



محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی

تهران - ۱۳۹۰



سرشناسه: ساکت، مصطفی، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: ارغنون ساز فلک؛ ارجنامه استاد فریدون حافظی / به کوشش مصطفی ساکت. مشخصات نشر: تهران: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۵۲۸ ص.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال: 978-964-04-6210-2

موضوع: حافظی، فریدون، ۱۳۰۳ - یادنامه‌ها.

موضوع: نوازندگان -- ایران.

موضوع: موسیقی ایرانی -- تاریخ و نقد.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۲ س / ۹ / ۳۴۳ / ۹ / ML

رده‌بندی دیویی: ۷۸۹ / ۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۶۹۵۵

- ۶۷ گیسو / فرهاد فخرالدینی
- ۶۹ دوستی مهران / شاهین فرهنگ
- ۷۱ همکاری با حافظی در «زندگی» / نصرت کریمی (فیلمساز)
- ۷۵ خرم آن نغمه که مردم بسیارند به یاد / میلاد کیایی
- ۷۷ گوش کن! گوش کن! / مریم گویا
- ۸۱ عاشق موسیقی ایرانی / بزرگ لشکری
- ۸۵ رهپوی راه هنر و حکمت / خدامراد مرجانی
- ۸۹ هنرمند نیکوختصال / رحیم معینی کرمانشاهی
- ۹۳ یاد باد آن روزگاران... / مهران مهدی
- ۹۵ حافظی، راوی آرامش دل / رضا مهدوی
- ۹۹ کم گوی و گزیده گوی چون در / شهرام میرجلالی
- ۱۰۱ حافظ یک آبروی پروام / سید علیرضا میرعلینقی
- ۱۰۷ فریدون حافظی، هنرمندی با خصوصیتی کم‌نظیر / منصور نریمان
- ۱۱۱ درباره فریدون حافظی / علی هاشمی
- ۱۱۳ ۲. موسیقی و تاریخ
- ۱۱۵ تنبوره، دستان یا چنگ؟ / محمدحسن ابریشمی
- ۱۴۹ راویان خلوت شاهی / نیما تجتر
- ۱۶۱ جایگاه موسیقی در تمدن اسلامی / محمد صالح المهدی
- ۱۶۱ / پارسی کرده محمدحسین ساکت
- ۱۸۷ نکته‌هایی درباره نغمه‌های ایرانی در دوره ساسانی / آرتور کریستن سن
- ۲۰۷ / ترجمه و پژوهش: سلمان ساکت
- فهرست صفحه‌های فارسی ۷۸ دور / محسن محمدی
- ۲۵۵ ۳. موسیقی و پیراموسیتی
- ۲۵۷ آیا موسیقی باید تحت فلسفه و سطی قرار گیرد؟ / سید عبدالله انوار
- ۲۶۳ بریت، ساز مظلوم ایرانی / علی پژوهشگر
- ۳۵۳ ۴. موسیقی و شعر
- ۳۵۵ شعر و موسیقی / عبدالعلی ادیب پرومند
- ۳۵۹ حافظ و موسیقی / مصطفی بادکوبه‌ای (امید)
- ۳۷۱ یک آهنگ کردی به لهجه کردی کرمانشاهی / ای. بی. سون
- ۳۹۳ / ترجمه: محمدعلی سلطانی
- ۴۰۳ از «صدای سخن عشق» / مرتضی کاخی
- عرفان، موسیقی معنوی / سید حبیب نبوی
- ۴۲۱ ۵. هنر
- ۴۲۳ هنر / علیقلی محمودی بختیاری
- ۵۰۱ هنر کمال است، یا کمال در هنر متجلی؟ / محمد موقتیان
- ۵۰۷ ۶. تصویرها
- ۳۷۳ درون‌گرایی در موسیقی ایرانی / محسن حجاریان
- ۳۹۵ تجلی ماندالا در موسیقی سنتی ایران / امیرحسین دکرگو
- ۳۰۹ برخی از اصطلاحات بنیادین موسیقی ایرانی / کیوان ساکت
- ۳۲۱ رساله در باب معرفت علم موسیقی / رضاقلی سالور قاجار (شهرام)
- ۳۳۳ نگاهی به زیبایی‌شناسی دریافت / نادر مجد
- ۳۴۳ فهم ما از موسیقی سنتی چقدر است؟ / سید ابوالحسن مختاباد
- ۷ □ فهرست

نکته‌هایی درباره نغمه‌های ایرانی در دوره ساسانی*

آرتور کریستن سن

ترجمه و پژوهش: سلمان ساکت**

موسیقی در حکومت ساسانی نقشی مهم و برجسته داشته است. بنا بر نوشته مسعودی، موزخ بزرگ سده چهارم هجری، اردشیر بابکان، بنیانگذار سلسله ساسانی، دربارش را به هفت طبقه تقسیم کرد که پنجمین آنان عبارت بودند از: نغمه‌گران و مطربان و آشنایان به هنر موسیقی. از آنجا که بهرام گور به مطربان دل‌بستگی ویژه‌ای داشت،

* این مقاله با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Christensen, Arthur; "Some Notes on Persian Melody-Names of the Sasanian Period"; *The Dastur Hoshang Memorial*, Volume Papers on Iranian Subjects, in Honor of the Late Shams-ul-ulama Sardar Dastur Hoshang Jamasp, Bombay, 1919, pp. 368-377.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

تغییراتی در طبقه مطربان بوجود آورد، اما خسرو انوشیروان مرتبه آنان را به ترتیبی که در زمان اردشیر بود، باز گرداند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۴۰/۱-۲۴۱).

از دوران اردشیر به بعد هنگامی که پادشاه با ندیمان و معاشران می‌نشست، پرده‌دارش که او را «خرم‌باش» می‌خواندند، موظف بود تا افرادی از درباریان را دعوت کند که فلان آواز را بخوانند یا فلان نغمه را در فلان دستگاه موسیقی بنوازند (همان: ۲۴۱).

در نقش برجسته‌های دوره ساسانی که صفحه شکارگراز وحشی توسط پادشاه را نشان می‌دهد، چندین فایق دیده می‌شود که زنانی سوار بر آنها در حال نواختن موسیقی هستند (Flandin et Coste Pl. 10).

به احتمال زیاد توجه فراوان به موسیقی به زندگی درباری محدود نمی‌شد و به ویژگی‌های مشترک ایرانیان پیوند می‌یافت. سوگمندها آگاهی ما درباره هنر ایرانیان باستان بسیار اندک است. هامر، کایسروت، لاند و دیگران در نوشته‌های خود بر این باورند که دستگاه موسیقایی ایرانی - عربی در طول زمان تغییرات گوناگونی به خود دیده است، اما اساساً ریشه در تمدن ساسانی دارد. با این همه «دستگاه موسیقایی» تنها استخوان‌بندی هنر موسیقی بوده است. در آن روزگار موسیقی زنده، این شاخه از علم ریاضی را به هنری رایج و همگانی تبدیل کرده بود.

در این میان جمع‌آوری و بررسی نغمه‌هایی که هنوز در میان ایرانیان رواج دارد و نیز تعیین نام آنها پژوهشی جذاب و درخور خواهد بود. برای انجام چنین پژوهشی مهم‌ترین کار، مقایسه و تطبیق این نام‌ها با نام‌های قدیمی نغمه‌ها و الحان بازمانده در متون ادبی است. افزون بر این مقایسه نغمه‌های ایرانی با موسیقی دیگر نواحی شرقی که سخت زیر تأثیر تمدن ایرانی بوده است، خود تحقیقی جالب توجه را رقم خواهد زد. می‌توان

یقین داشت که موسیقی ایرانی - عربی در سده‌های میانی، خود را نسبت به موسیقی دیگر نواحی شرقی با سماجت و سرسختی بیشتری حفظ کرده‌اند.

از آنجا که نظام نشانه‌ای تعلیم موسیقی در شرق اسلامی وجود نداشت، موسیقیدانان هنر خود را با دقت و وسواس تمام از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دادند. در این میان تردیدی وجود ندارد که پویایی موسیقی در دربار خلافت عباسی - که سخنرانی ابن خردادبه در برابر خلیفه، المعتمد بالله، نمونه‌ای زیبا و شایسته از آن است - ریشه در پادشاهی کهن ایرانی دارد. از این رو گمان می‌کنم که شاید بقایای موسیقی ساسانی را بتوان در بسیاری از مناطق شرق اسلامی ردیابی نمود، البته شرق‌شناسی پژوهنده، که هم موسیقی بداند و هم به زبان‌های شرقی مسلط باشد، می‌تواند عهده‌دار انجام این پژوهش شود.

اغلب نغمه‌های ساسانی که نام‌های آنها در میان نوشته‌های نویسندگان ایرانی و تازی باقی مانده است، به بارید یا پهلبد، نغمه‌سرای نامی دربار خسرو پرویز نسبت یافته است. بارید مانند بسیاری از مطربان درباری در دوره‌های سپسین اسلامی، همزمان شاعر، نوازنده و آهنگساز بود. آن گونه که حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده‌ی خود نوشته است، بارید برای هر روز سال یک نغمه، یعنی در مجموع ۳۶۰ نغمه داشته است، اما مستوفی به نام آن نغمه‌ها هیچ اشاره‌ای نمی‌کند (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۹: ۱۲۳).

نویسنده دیگر عرب، ثعالبی (م: ۴۲۹ هـ / ۱۰۳۸ م) سرگذشت بارید را شرح می‌دهد و اینکه چگونه وقتی هنوز پادشاه او را نمی‌شناخت با نواختن سه آهنگ دلفریب، خسروی پرویز را به دست آورد. آن سه آهنگ عبارت بودند از: «بزدان آفرید»، «پرتو فخار» که آوایی چون

«توانگری پس از درویشی» بود و «سبز اندر سبز» که با نوای آن همه را افسون کرد (ثعالی، ۱۳۷۲: ۳۸۹-۳۸۸).

بنابر شاهنامه فردوسی نغمه‌هایی که بارید در جشن‌ها اجرا می‌کرد، خسروانی (در چاپ خالقی و دیگر متون: پهلوانی)، داد آفرید (همان یزدان آفرید)، پیکارگرد (جنگ پهلوان) و سبز اندر سبز بود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۴/۸).

سروری به آواز خوش برکشید که اکنون تو خوانیش «داد آفرید»

زنسنده دگرگون بسیار است رود برآورد ناگاه دیگر سرود که «پیکارگرد»ش همی خواندند چنین نام از آواز او رانندند

برآمسد دگرباره بانگ سرود همان ساخته کرده آواز رود همی «سبز در سبز» خوانی کنون برین گونه سازند مردان فسون توصیفات ثعالبی و فردوسی ثابت می‌کند که در این میان، نام تنها بر آهنگ‌های آوازی دلالت می‌کند و نه لحن، مانند «عشاق»، «نوروز» و دیگر اصطلاحات موسیقایی که در دوره‌های سپسین رواج یافته است. آهنگ‌هایی که بیشتر از آنها نام برده شد - برای نمونه سبز اندر سبز - در شمار سی آهنگ مشهوری است که نویسنده برهان قاطع آنها را زیر عنوان «سی لحن» قرار داده است.^۲ بارید این سی آهنگ را برای خسروشاه ساخته بود. نام آنها در برهان قاطع چنین آمده است:

آرایش خورشید یا آرایش جهان، آیین جمشید، اورنگی، باغ شیرین، تخت، حقه کاوس، راح روح، رامش جان یا رامش جهان، سبز در سبز، سرورستان، سرو سهی، شادروان مروارید، شیدیز، شب فرخ یا فرخ شب، طاقدیسی، قفل رومی، کین ایرج، کین سیاوش، گنج بادآورده، گنج سوخته،

نکته‌هایی درباره نغمه‌های ایرانی در دوره ساسانی □ ۱۹۱

گنج گاو، ماه بر کوهان، مروای نیک، مشک دانه، مشک مالی، مهرگانی، ناقوسی، نخچیرگانی، نوبهاری، نوشین باده یا باده نوشین و نیمروز.

نویسنده برهان قاطع در ادامه می‌گوید نظامی در خسرو و شیرین خود نام این الحان را می‌آورد یا این تفاوت که به جای سه نام آیین جمشید، راح روح و نوبهاری، چهار نام ساز نوروز، غنچه کیک دری، فرخ روز و کیخسروی را بیان می‌کند، بدین گونه تعداد الحان ۳۱ گونه می‌شود در حالی که به طور معمول تعداد آنها سی لحن است (بنگرید به: نظامی، ۱۳۶۶: ۳۳۹-۳۴۴).

صاحب برهان قاطع ذیل مدخل «خسروانی» می‌نویسد: «نام لحنی است از مصنفات بارید و آن نثری بوده است مسجع مشتمل بر دعا و ثنای خسرو و مطلقاً نظم در آن به کار نرفته و این لحن داخل سی لحن مشهور نیست که اگر داخل باشد، سی و یک می‌شود.» این گفته به احتمال زیاد چندان دقیق نیست و چه بسا چندین «خسروانی» وجود داشته باشد. ثعالبی می‌گوید: «بارید پدیدآورنده خسروانی‌هایی است که تاکنون نوازشگران در بزم شاهان می‌نوازند» (ثعالبی، همان: ۳۸۹). عوفی آنها را «نوی خسروانی»^۴ (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۱) و مسعودی «الطروق الملوكیه» می‌نامد (مسعودی، همان: ۶۱۸/۲). عبارت مسعودی چنین است: «موسیقی ایرانیان بوسیله عود و سنج بود که خاص آنها بود و نغمه‌ها و آهنگ‌ها و پرده‌ها و دستگاه‌های شاهانی داشتند که هفت دستگاه بود. اول سکاف بود [که عموماً به هنگام ساختن پل میان آبگذرها آن را می‌نواختند] و پرده‌هایش از همه روشن‌تر [و فرخ‌انگیزتر] بود [و زیبایی فراوانی را در مدولاسیون دربر می‌گرفت و گستره وسیعی را در فراز و فرود گام‌های موسیقی شامل می‌شد]. پس از آن امر سه که محاسن نغمه را بیشتر از همه فراهم داشت و زیر و بم آن بیشتر بود، آنگاه ماداروسان که

دست ما رسیده‌اند، برگرفته از نام‌های نغمه‌ها در دوره ساسانی است و اگرچه این موضوع هنوز به طور کامل و مشخص برای ما آشکار نشده است، اما این نظریه جذاب را مطرح می‌سازد که شاید آهنگ‌ها ابتدا نام‌گذاری می‌شدند و سپس در آن دستگاه‌ها یا لحن‌ها، نغمه‌هایی ساخته می‌شده است.

نام نغمه‌هایی که منوچهری در دیوان خود بدان‌ها اشاره کرده است

عبارتند از:

۱. قالوس

شاعری تشبیب داند شاعری تشبیه و مدح

مطربی قالوس داند مطربی شکر توین

(ص ۹۰، نیز بنگرید به: صص ۱۳۰، ۱۷۱ و ۲۱۲)

۲. ماده - راست.

برده راست زند نارو بر شاخ چنار

برده ماده زند قمری بر نارونا

(ص ۱، نیز بنگرید به: صص ۱۶۹)

۳. گل‌نوش.

تا بر م و بر زیر نوای گل‌نوش است

تا بر گل بر بار خروش و روانست

(ص ۱۵)

۴. گنج باد - گنج گاو.

وقت سحرگه چکاد خوش بزند در تکاو

ساعتکی گنج گاو، ساعتکی گنج باد

(ص ۱۷، نیز بنگرید به: صص ۷۶ و ۹۷)

از همه سنگین‌تر بود و سایکاد که بسیار دلپذیر بود و سیسم که اقتباس شده بود و حویعوران (در دیگر متون: حویران) که خاص یک نغمه بود.^۷

دو نام از این هفت نام از بین رفته‌اند و بقیه نیز کم و بیش دستخوش تغییر و تحریف شده‌اند. در این میان تنها «سیسم» است که به صورت شیسم دوبار در دیوان منوچهری به کار رفته است.

بگیر باده نوشین و نوش کن به صواب

به بانگ شیسم، با بانگ افسر سگری

(منوچهری، ۱۳۷۹: ۱۲۹)

دراج کشد شیسم و قالوس همی

بی‌برده طنبور و بی‌رشته چنگ

(همان: ۱۷۱)

سایکاد ممکن است صورت دیگری از واژه «شایگان» باشد که

براساس نوشته صاحب برهان قاطع یکی از گنج‌های قابل توجه خسرو پرویز بوده است و همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید چند گنج این پادشاه به نام آهنگ‌ها و نغمه‌های بارید بلند آوازه گشته‌اند. فرهنگ‌ها «سکاف» را حلقه ایریشمین و «سوکاف» را مضرب و زخمه معنی کرده‌اند. تعریف

واژه «ماداروسنان» به کلی بر ما پوشیده است.^۷

در دیوان منوچهری، شاعر دربار غزنویان، نام بسیاری از نغمه‌های

ایرانی به چشم می‌خورد. شایان توجه است که در میان این نام‌ها «راست»

نیز دیده می‌شود که بر چهارمین مقام از مقامات دوازده‌گانه نغمه‌های

اصلی در دستگاه موسیقی تازیان دلالت دارد. بسیاری از نام‌های نغمه‌ها

در دستگاه‌های موسیقی تازی و بعدها ایرانی که از رهگذر تاریخ به

۴. آزادوار - پالیزیان.

این زند بر چنگ‌های سفیدیان پالیزیان

وان زند بر نایهای لوریان آزادوار

(ص ۳۶، نیز بنگرید به: صص ۲۰ و ۹۷)

۵. سبزه بهار.

بر سبزه بهار نشستی و مطربت بر سبزه بهار زند سبزه بهار

(ص ۴۰، نیز بنگرید به صص ۲۰ و ۱۳۴)

۶. باغ شهریار - تخت اردشیر (نخت اردشیر).

بر نیند عندلیب زند باغ شهریار بر سرو زندواف زند تخت اردشیر

(ص ۴۸، نیز بنگرید به: صص ۹۷ و ۱۸۴)

۷. سروستان - اشکنه - زیر قیصران - نوروز بزرگ - بسکنه - هفت گنج - دیف رخش -

ارجنه - سرو سهی - روشن چراغ - کاوزنه - سیوارتیر - کبک دری - سرو ستاه -

باروزنه [چکک - شخج - لبینا - دند].

مطربان ساعت به ساعت بر نوای زیر و بم

گاه سروستان زند امروز و گاهی اشکنه

گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر

گاه نوروز بزرگ و گاه بهار بسکنه

که نوای هفت گنج و گاه نوای گنج گاو

که نوای دیف رخش و گاه نوای ارجنه

نوبتی پالیزیان و نوبتی سرو سهی

نوبتی روشن چراغ و نوبتی کاوزنه

ساعتی سیوارتیر و ساعتی کبک دری

ساعتی سروستاه و ساعتی باروزنه

۱۹۵ □ نکته‌هایی دربارهٔ نغمه‌های ایرانی در دورهٔ ساسانی

بامدادان بر چکک چون چاشتگاهان بر شخج

نیمروزان بر لبینا شامگاهان بر دته

(ص ۹۲، نیز بنگرید به: صص ۷۵، ۱۳۰، ۱۶۵ و ۱۸۹)

۸. [سر] کسری (یا صحیح‌تر خسرو) - [سر] شیشم - سرکش - لیلی (از آنجا

که این نام به افسانه‌ای تازی مربوط است احتمالاً پساساسانی است).

یکی فی بر سر کسری دوم فی بر سر شیشم

سندیگر پسردهٔ سرکش چهارم پردهٔ لیلی

(ص ۱۲۴)

۹. افسر سگری - شیشم.

بگیر بادهٔ نوشین و نوش کن به صواب

به بانگ شیشم با بانگ افسر سگری

(ص ۱۲۹؛ نیز بنگرید به: ص ۱۷۱)

۱۰. شکر توین.

آخته چنگ و چلب ساخته چنگ و ریاب

دیده به شگر لیان گوش به شگر توین

(ص ۱۷۹، نیز بنگرید به: ص ۹۰)

۱۱. گنج فریدون.

بر گل تر عندلیب گنج فریدون زده‌ست

لشکر چین در بهار بر که و هامون زده‌ست

(ص ۱۸۰)

۱۲. مهرگان خروک - سپهبدان.

چون مطربان زند نو تخت اردشیر

که مهرگان خروک و گاهی سپهبدان

(ص ۱۸۴)

ب - ۱) سروده‌ها یا نغمه‌های مذهبی.

به احتمال زیاد در این طبقه الحان زیر قرار می‌گیرند:

۱. یزدان آفرید؛
۲. وستا یا همان اوستا.

ب - ۲) سروده‌های شاهانه

یا نغمه‌هایی که ستایندهٔ شاه، گنج‌های بی‌کران او و ملکه‌اش شیرین

بود:

۱. خسرو یا همان کسری در دیوان منوچهری؛
۲. باغ شهریار؛
۳. باغ شیرین؛
۴. اورنگی؛
۵. تخت طاقدیسی.

تعالیمی و فردوسی این تخت را با جزئیات کامل توصیف کرده‌اند. جهن برزین این تخت را در دورهٔ پادشاه افسانه‌ای، فریدون، ساخت و بعدها اسکندر مقدونی آن را تخریب کرد. خسرو پرویز تنها کسی بود که موفق شد آن را براساس اجزای باقیمانده‌اش بازسازی کند.

طاقدیس از عاج و چوب درخت ساج تشکیل شده و با نقره و طلا زینت یافته بود. این تخت ۱۸۰ ارش درازا، ۱۳۰ ارش پهنا و ۱۵ ارش ارتفاع داشت و بر بالای آن طاقی زرین و لآزوردی ساخته شده بود که نماهای کیهانی و ستارگان و برجها و اقلیم‌های هفت‌گانه و چهرهٔ شاهان و تصویر ایشان در جشن و نبرد و شکار بر آن نقش بسته بود. این تخت شکوهمند ساعتی داشت که زمان‌های روز را نشان می‌داد. تخت را چهار فرش دیبایاف و گوهرنشان می‌پوشاند که هر یک از آن فرش‌ها نماد یک

۱۲. وستا - نوش لبیان - باغ سیاووشان.

زندوافان همی زند زیر برخوانند

بیلان وقت سحر زیر دست چندانند

صلصالن باغ سیاووشان با سروستاه

قصریان راه گل و نوش لبینا راندند

(ص ۱۸۹)

در پایان می‌گوئیم نام نغمه‌های دورهٔ ساسانی را طبقه‌بندی کنم و در حد توان توضیحاتی به آنها بیفزایم.

الف) هفت خسروانی بارید (الحان خسرو یا نغمه‌های شاهی).

۱. سکاف که بیش از همه به کار می‌رفت و پرده‌های آن از همه روشن‌تر بود؛

۲. ... که عاطفی و فرح‌بخش بود؛

۳. امرسه (۴) که محاسن نغمه‌ها را بیش از همه فراهم داشت و زیر و

بم آن بیشتر بود؛

۴. ماداروسنان (۴) که از همه سنگین‌تر بود؛

۵. سایگاد و شاید شایگان که بسیار دلپذیر بود؛

۶. شیشم که اقتباس شده و سنگین بود؛

۷. حوبران یا حوبران (۴) که خاص یک نغمه بود؛

ب) سی لحن بارید و دیگر نغمه‌ها.

(احتمالاً از میان ۳۶۵ نغمه‌ای که بارید برای هر روز سال داشته است).

۹. گنج گاو.
یکی از کشاورزان هنگامی که زمینی را با دو گاو خود شخم می‌زد، گاوآهنش به دستهٔ کوزه‌ای مالامال از زر برخورد کرد. کشاورز آن را برگرفت و به درگاه شاه آورد. به فرمان شاه زمین را کاویدند و به صد کوزهٔ پر از سیم و زر و گوهر که از گنجهای اسکندر بود، دست یافتند. پرویز یکی از کوزه‌ها را به مرد کشاورز بخشید و فرمان داد گنج‌خانه‌ای ویژه برای آن ساختند که گنج‌گاو نامیده شد (همان: ۳۹۱).
۱۰. گنج سوخته.
بنا به گفتهٔ برهان قاطع یکی از گنج‌های خسرو پرویز بوده که آگاهی بیشتری از آن به دست ما نرسیده است.
۱۱. تخت اردشیر.
تخت اردشیر بابکان، بنیانگذار سلسلهٔ ساسانی بوده است.
- ب - ۳. نغمه‌هایی با موضوعات برگرفته از اساطیر.
۱. آیین جمشید.
 - جمشید چهارمین پادشاه اساطیری ایران‌زمین است که بزرگترین تمدن‌ساز در دورهٔ اساطیری به شمار می‌رود.
 ۲. گنج فریدون.
فریدون، پادشاه افسانه‌ای که ضحاک بر او چیره آمد.
 ۳. کین ایرج.
ایرج پسر فریدون و وارث تاج و تخت او و حاکم ایران‌زمین بود که برادرانش، تور و سلم، او را ناجوانمردانه کشتند. بعدها منوچهر، نوهٔ دختری ایرج، انتقام او را از آنها گرفت.
 ۴. نوروز کیقباد.
کیقباد نخستین پادشاه کیانیان است.

- فصل از چهار فصل سال بود (تعالی، همان: ۳۹۰).
۶. شبیدیز.
شبیدیز نام اسب مورد علاقهٔ خسرو پرویز بود. خسرو چنان به این اسب علاقه داشت که وقتی مرد، کسی زهره نداشت که گزارش آن را به وی برساند. هنگامی که شبیدیز مرد، میرآخور به بارید پولی داد تا با سرود و آهنگ شاه را از مرگ شبیدیز آگاه کند. بارید چنین کرد و هنگامی که می‌خواند و می‌نواخت، در میان سرود گفت: شبیدیز نه پویه می‌کند، نه به چرا می‌رود و نه می‌خواهد. خسرو مقصود بارید را دریافت و فریاد زد: در این صورت مرده است! بارید گفت: من این را از شاه شنیدم (همان: ۳۹۲).
۷. هفت گنج.
خسرو پرویز هفت گنج داشت که فردوسی نام آنها را آورده است. نام سه گنج از آن هفت گنج، نام نغمه و آهنگ ویژه‌ای بوده است که عبارتند از:
۸. گنج بادآورد.
تعالی دربارهٔ این گنج می‌نویسد: وقتی رومیان پدر زن پرویز را کشتند و کس دیگری را به جای او به شاهی برداشتند، سخت برآشفتم و مرزبان نامور خود، شهر براز را با سپاهی فراوان به روم فرستاد. چون شهر براز به روم درآمد، گرداگرد اسکندریه را گرفت و سپاه دیگری را برای در میان گرفتن قسطنطنیه روانه کرد. شاه روم از ترس اینکه قسطنطنیه گشوده شود، آمادهٔ گریز شد و گنجینه‌ها و اندوخته‌ها و نیز چوبی را که ترسایان گمان دازند عیسی [ع] را بر آن به دار آویخته‌اند، در کشتی‌هایی نهاده به دریا افکند، باد به آنها وزید و آنها را به اسکندریه برد و شهر براز بر آنها دست یافت و از دریا گرفت و همه را نزد پرویز فرستاد (همان: ۳۹۱-۳۹۰).

۴. مهرگانی؛
۵. مهرگان خردک؛
۶. سبزه در سبزه [یا سبزه در سبزه]؛
۷. سبزه بهار؛
۸. گل‌نوش؛
۹. سروستان؛
۱۰. سرو سهی؛
۱۱. سروستا؛
۱۲. کبک دری؛
۱۳. پالیزبان؛
۱۴. آرایش خورشید؛
۱۵. ماه بر کوهان؛
۱۶. ارچنه؛ نام بیابانی در فارس.

ب - ۵) شراب نغمه‌ها.

۱. راح روح
- دو واژهٔ راح و روح تازی‌اند و احتمالاً دستخوش تغییر و تحریف شده‌اند، مگر آنکه ترجمهٔ نامی بهلوی باشند. نویسندۀ برهان قاطع «راح» را نام نوایی از موسیقی می‌داند.
۲. نوشتن باده یا بادهٔ نوشتن.

ب - ۶) نغمه‌های ستایش دنیا و بهره‌وری از آن.

- برخی از این نغمه‌ها ویژگی اروتیک و شهوات‌انگیزی دارند.
۱. روشن چرخ؛
 ۲. شادروان مروارید.

□ ۲۰۰ ارغنون‌ساز فلک

۵. حقهٔ کاووس.
- پسر و جانشینان کعباد. واژهٔ تازی «حقه» نشان‌دهندهٔ تغییر و تحریف در نام این نغمه است.
۶. سیاووشان.
- مرگ و سرنوشت تراژیک سیاوش، فرزند کیکاووس، یکی از بهترین درون‌مایه‌ها برای آهنگسازی بوده است.
۷. کین سیاوش.
- کیخسرو، فرزند سیاوش، انتقام خون پدرش را گرفت.
۸. کیخسروی یا همان آهنگ خسرو.
۹. دیف رخش.
- واژهٔ «دیف» از بین رفته و معنی و پیشینهٔ آن برپا نشده است، اما رخش نام اسب برگزیدهٔ رستم است.
۱۰. افسر سگزی.

احتمالاً به رستم و دودمانش نسبت می‌یابد.

۱۱. پیکارگرده؛
۱۲. آزادوار؛
۱۳. سرکش؛
۱۴. سپهبدان.

ب - ۴) نغمه‌های ستایش طبیعت به ویژه ستایش بهاران

۱. نوبهاری؛
 ۲. نوروز بزرگ؛
 ۳. ساز نوروز.
- گاهی «نوروز» هم خوانده می‌شود.

تحریف شده است.

۴. راست؛
۵. ماده؛
۶. زیر قیصران؛
۷. کاویزنه؛
۸. سیوارتیر؛
۹. شکر تونین؛
۱۰. قالوس؛
۱۱. اشکنه؛
۱۲. بشکنه؛
۱۳. باروزنه.

پی‌نوشت‌ها

۱. ادوارد براون در مقاله‌ای که در *J.R.A.S.* به چاپ رسیده است هر آنچه نویسندگان ایرانی و تازی دربارهٔ بارید نوشته‌اند، جمع‌آوری کرده است (۱۸۹۹: صص ۵۴ به بعد). او فهرست کاملتری را نسبت به این مقاله در *تاریخ ادبیات ایران* (ج ۱، ص ۱۴، ش ۲) به دست داده است.
۲. در ایران قدیم سال از دوازده ماه سی روزه تشکیل می‌شد به همراه پنج روز اضافه که آن را به آخرین ماه می‌افزودند. از این رو تعداد روزهای سال را به طور کلی ۳۶۰ روز می‌دانستند و در حالت عادی پنج روز پایانی آخرین ماه را به حساب نمی‌آوردند.
۳. آشکارا این سی لحن منطبق بر سی روز ماه است. به سخن دیگر برای هر روز از ماه یک لحن ویژه وجود داشت.
۴. بگرید به مقالهٔ براون در *J.R.A.S.*
۵. آشکارا هر دستگاه ویژهٔ یک روز هفته بود.
۶. به احتمال فراوان گشایش رسمی یک آبگذر جدید را با نواختن موسیقی جشن

صاحب برهان قاطع می‌نویسد: «این لحن ابتدا شادروان نام داشت به واسطهٔ آنکه در زیر شادروان این تصنیف را ساخته بود. روزی بارید همین تصنیف را به جهت خسرو می‌نواخت، خسرو را بسیار خوش آمد، فرمود طبقی مروارید بر سر بارید نثار کردند، بعد از آن شادروان مروارید نام نهاد.»

۳. مشک دانه؛
 ۴. مشک مالی؛
 ۵. پرتو فرخار.
- فرخار نام شهری کهن و باستانی که به جهت زیبایی ساکنان و معبد بتانش شهرت داشته است.
۶. نوش لبینان؛
 ۷. فرخ روز؛
 ۸. فرخ شب یا شب فرخ؛
 ۹. رامش جان یا رامش جهان؛
 ۱۰. مروای نیک.

ب - ۷) نغمه‌هایی که مضمون و درون‌مایهٔ آن قابل شناسایی نیست.

۱. نیمروز.
- نیمروز نام دیگر سجستان نیز هست.
۲. ناقوسی.
- ناقوس ابزاری است زنگ مانند که در کلیساهای غربی از آن استفاده می‌کنند. نام این نغمه احتمالاً پاساساسانی است.
۳. قفل رومی.

واژه «قفل» تازی است، بنابراین به احتمال زیاد دستخوش تغییر با

- عوفی، محمد؛ *لیاب‌اللیاب*؛ از روی چاپ براون و قزوینی، با تصحیحات و حواشی سعید نفیسی، تهران: اتحاد، چاپ اول، ۱۳۳۵.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ *شاهنامه*؛ به کوشش جلال خالقی مطلق و دیگران، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ؛ *شاهنامه*؛ تصحیح زول مول، با مقدمهٔ دکتر محمدامین ریاحی، تهران: سخن و علم، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- مستوفی، حمدالله؛ *تاریخ گزیده*؛ به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۳۹.
- مسعودی، علی بن حسین؛ *مروج الذهب و معادن الجواهر*؛ ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.
- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد بن قرص؛ *دیوان*؛ به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: روز، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- نظامی، ابومحمد الیاس بن یوسف؛ *خسرو و شیرین*؛ با تصحیح و مقدمهٔ بهروز ثروتیان، تهران: توس، چاپ اول، ۱۳۶۶.

- می‌گرفتند. بنگرید به یادداشت طبری (نولدکه، ص ۳۰۴) که یادآور می‌شود خسرو پرویز موسیقیدانان را به منظور برپایی جشن تمام‌ساختن یک سد [یا بند] فرامی‌خواند.
۷. براون در کتاب خود، *تاریخ ادبیات ایران* (ج ۱، ص ۱۸)، می‌نویسد که نیهقی نام چند نوای دورهٔ ساسانی را ذکر می‌کند. این نام‌ها عبارتند از: آفرین، خسروانی و مادراستانی. این احتمال وجود دارد که نام‌های نامفهوم در اصل اصطلاحات موسیقایی باشند. برای نمونه همان طور که اشاره شد «خسروانی» عنوان هریک از هفت نغمهٔ شاهانه بود. مادراستانی هم به اصطلاح «ماداروسنان» بسیار شبیه است و چه بسا گونهٔ تغییر یافتهٔ همین اصطلاح باشد.
۸. فردوسی در ذکر بزرگی خسرو پرویز نام این گنج‌ها را چنین برمی‌شمرد:
- | | |
|---------------------------|--------------------------------|
| نخستین که بنهاد گنج عروس | ز چین و ز برطاس و از هند و روس |
| دگر گنج باد آورش خواندند | شمارش بکردند و در ماندند |
| دگر آنکه نامش همی بشنوی | تو خوانی ورا دینهٔ خسروی |
| دگر نامور گنج افراسیاب | که کس را نبود آن به خشک و آب |
| دگر گنج کش خواندی سوخته | کز آن گنج بد کشور افروخته |
| دگر گنج کز در خوشاب بود | که بالاش یک تیر برتاب بود |
| که خضران نهادند نامش روان | همان نامور کاردان بخردان |
| دگر آنکه بد شادورد بزرگ | که گویند رامشگران سترگ |
| به زر سرخ گوهر بدو بافته | به زر اندرون رشته‌ها نافته |
- (شاهنامه، ۱۳۷۸: ۲۲۲۳-۲۲۲۴)
۹. شاید «سرگش» و یا شاید «سرگس»، خنیاگر خسرو پرویز که پس از آشنایی پادشاه با باربد، نقش وی در دربار کاستی گرفت.

کتاب‌نامه

- تبریزی، محمدحسین بن خلف؛ *برهان قاطع*؛ به اهتمام محمد معین، تهران: کتابخانهٔ ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۲ (افست رشديه).
- ثعالی، حسین بن محمد؛ *شاهنامهٔ کهن (پارسی تاریخ غررالسیر)*؛ پارسی‌گردان: سید محمد روحانی، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۲.